

Pathology of the Professional Activity of Local Press from the Perspective of Media Authority

Elnaz Paknia: studentMaster of Journalism, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabaei University (Corresponding Author), Tehran, Iran. **email:** pakniaelnz@gmail.com

Alireza Abdollahinejad: Associate Professor; Department of Public Relations, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. **email:** abdollahinejad@atu.ac.ir

The existence of local press as part of the cultural and media development ecosystem is emphasized for matters such as decentralization from the center, pursuing local priorities, developing a culture of information circulation in the lower pyramid of power, and making the voices of classes far from the center heard; however, in the current situation, local press faces a lack of influence, lack of media authority, and lack of audience acceptance.

In this study, the position of local press and publications (case study of Mazandaran province) is examined from the perspective of media authority, and the harms facing the activities of these press in the country's media sphere are investigated. Also, the question has been raised as to whether local press is used as a place of reference for audiences in the current situation.

This research was conducted using semi-structured interviews with local journalists, as well as experts and professors of communications and journalism. The data were collected through a qualitative method, using a combination of findings from field observations and in-depth interviews with experts, and the content analysis method was used to analyze them.

The findings of this research show that the current media environment in the country requires a return to the authority of domestic media, especially local media. This will be effective through changing the licensing model of print media, redefining the function of local press in the new era of media, restoring issue-centeredness and self-confidence to local press, and paying attention to and trusting the concerns of journalists.

Keywords: Media Authority, Professional Journalism, Local Press.

آسیب‌شناسی فعالیت حرفه‌ای مطبوعات محلی از منظر مرجعیت رسانه‌ای

نوشتۀ

الناز پاک‌نیا*

علیرضا عبداللهی‌نژاد**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده

بر وجود مطبوعات محلی، به عنوان بخشی از زیست‌بوم توسعه فرهنگی و رسانه‌ای و با کارکردهایی نظیر تمرکززدایی از مرکز، پیگیری اولویت‌های محلی، توسعه فرهنگ گردش اطلاعات در پایین هرم قدرت و امکان شنیده شدن صدای طبقات دور از مرکز، تأکید می‌شود؛ با این حال، در شرایط کنونی، این مطبوعات با چالش‌هایی مانند فقدان تأثیرگذاری، نبود مرجعیت رسانه‌ای و عدم اقبال مخاطبان روبه‌رو هستند. در این پژوهش، جایگاه مطبوعات و نشریات محلی (مطالعه موردی: استان مازندران) از منظر مرجعیت رسانه‌ای و همچنین آسیب‌های پیش‌روی فعالیت این مطبوعات در سپهر رسانه‌ای کشور بررسی می‌شود و این مسئله مطرح است که آیا مطبوعات محلی در شرایط کنونی، مرجع و محل رجوع مخاطبان برای دریافت و مصرف اطلاعات هستند یا خیر. این پژوهش با رویکردی کیفی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با روزنامه‌نگاران محلی، صاحب‌نظران و استادان ارتباطات و روزنامه‌نگاری و همچنین با استفاده از تلفیق یافته‌های حاصل از مشاهده میدانی و مصاحبه عمیق با صاحب‌نظران گردآوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش «تحلیل مضمون» بهره گرفته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فضای کنونی رسانه‌ای کشور نیازمند بازبانی مرجعیت رسانه‌های داخلی، به ویژه رسانه‌های بومی، است. این مهم از طریق اقدام‌هایی چون: تغییر الگوی صدور مجوز رسانه‌های چاپی؛ بازتعریف کارکرد مطبوعات محلی در عصر نوین رسانه‌ها؛ بازگرداندن مسئله محوری و خودباوری به این مطبوعات؛ و توجه به دغدغه روزنامه‌نگاران پیرامون مسائل حرفه‌ای و جلب اعتماد آنان، میسر خواهد شد.

کلیدواژه: مرجعیت رسانه‌ای، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، مطبوعات محلی.

* کارشناس ارشد روزنامه‌نگاری، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، تهران، ایران
pakniaelnz@gmail.com

** دانشیار گروه روابط عمومی، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
abdollahinejad@atu.ac.ir

نحوه استناد به این مقاله: پاک‌نیا، الناز و عبداللهی‌نژاد، علیرضا (۱۴۰۴). آسیب‌شناسی فعالیت حرفه‌ای مطبوعات محلی از منظر مرجعیت رسانه‌ای. رسانه، ۳۶(۱)، ۹۱-۱۲۲.

مقدمه و بیان مسئله

رشد روزافزون رسانه‌ها منجر به آن شده است که این ابزارها و انواع گوناگون آن، به‌عنوان ابزاری مورد وثوق و نیاز در عصر نوین، مورد استفاده قرار گیرند. در این میان، نشریات تخصصی و منطقه‌ای به‌دلایلی چون در دسترس بودن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (مسعودی و همکاران، ۱۴۰۱).

در میان رسانه‌ها، مطبوعات بیش‌ازهمه دارای تاریخ مدون هستند؛ زیرا نه تنها قدیمی‌ترین رسانه به‌شمار می‌روند، بلکه به این دلیل که فعالان حوزه تاریخ‌نگاری مطبوعات، از منظر فرهنگی، مطبوعات را به رسمیت می‌شناسند. تاریخ مطبوعات به‌طور عمده به مطبوعات جدی توجه می‌کند. هنگامی که تاریخ مطبوعات به روزنامه‌های جنجالی می‌پردازد و آن‌ها را ارزیابی می‌کند، تنها از جنبه‌های اقتصادی، مانند رشد شمارگان و تبلیغات، به این روزنامه‌ها توجه نشان می‌دهد (بشرویه، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

مطبوعات، بانفوذترین وسیله برای انتقال اخبار، نظرات و عقاید به‌شمار می‌روند. در این میان، نشریات محلی که از مهم‌ترین رسانه‌های نوشتاری محسوب می‌شوند، جایگاه ویژه‌ای دارند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از محققان علوم ارتباطات بر این باورند که قدرت اثربخشی رسانه‌های محلی بیشتر از رسانه‌های هم‌جنس خود است و نشریات محلی، به دلیل کارکردهای ویژه خود در حوزه مسائل بومی، عمده‌ترین نقش را در شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی در پایه‌ای‌ترین سطح، ایفا می‌کنند (داریوش، ۱۳۹۷).

ازسویی دیگر، اقتضائات بومی و محلی، اهمیت رسانه‌های محلی را در ارائه اطلاعات و اخبار و توجه به مخاطبی که از هویت قومی برخوردار است، برجسته می‌سازد. مخاطب با گرایش به هویت قومی و با ذائقه و سلايق گوناگون نسبت به مخاطبان سراسری، این انتظار را دارد که رسانه محلی، عملکردی بومی داشته باشد و فقط متأثر و تابع رسانه‌ها و شبکه‌های ملی نباشد (خانیکی و عبدی، ۱۴۰۰).

آسان‌ترین راهی که مردم می‌توانند درد دل‌هایشان را از طریق آن در رسانه‌ها مطرح کنند، نامه‌نوشتن به روزنامه است. روزنامه‌های محلی در این مورد، آسان‌گیرتر هستند (کریمیان، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

هر جامعه دارای نیازهای محلی، استعدادهای محلی، انتخابات محلی، اخبار محلی و فرهنگ محلی است و محلی‌گرایی، نشان‌دهنده تعهد به اخبار محلی و برنامه‌ریزی روابط عمومی است. این به آن معناست که اطمینان حاصل شود پوشش خبری، منعکس‌کننده آرایش جامعه است. محلی‌گرایی همچنین به این معناست که یک رسانه، از طرق دیگر، مانند اختصاص منابع برای کشف و پرداختن به نیازهای جامعه، پاسخگو باشد (کریستوفر علی^۱، ۲۰۱۷: ۲۲۲).

1. Christopher Ali

رسانه های ارتباطی در زمینه ایجاد آگاهی، تولید علائق و تقاضای عمومی، جای گیری مسئله در اذهان عموم و ایجاد حمایت اجتماعی از عمران، نقش دارند. آنها می توانند دو نوع نقش حمایتی ایفا کنند: نخست آن که با انتشار پیام هایی که مردم را به حمایت از پروژه های توسعه محور تشویق می کنند، از ابتکارات توسعه بخش حمایت کنند؛ و دوم آن که می توانند فرایند تصمیم گیری و اطلاعات لازم و بازخوردهای مورد نیاز برای رسیدن به یک تصمیم را فراهم آورند (مرادی و افراسیابی، ۱۳۹۲: ۲۰۰).

در این تحقیق، پرسش های اساسی در سه حوزه اصلی شامل: نحوه فعالیت روزنامه نگاری حرفه ای در مطبوعات محلی، نحوه مدیریت مطبوعات محلی از منظر سازمان خبری و نیز بررسی نقش حمایت های دولتی در کارکرد مطبوعات محلی، مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین، این پرسش اصلی مطرح شده است که آیا مطبوعات محلی از منظر مرجعیت رسانه ای مورد اقبال مخاطبان قرار می گیرند و توانسته اند تأثیرگذاری مطلوبی بر آنان داشته باشند.

در کژکارکردی ابزارهایی که به منظور حفظ، باثبات سازی و معرفی فرهنگ محلی و بومی مناطق ایجاد شده اند، جریان های حاکم بر رسانه های مرکز، بر اخبار پیرامون تأثیر گذاشته و به یکدستی و از میان رفتن فرهنگ های بومی منجر شده است.

به خوبی روشن است که توسعه مطبوعات به استقرار جامعه مدنی نیز بستگی دارد. همچنین فرهنگ سیاسی نخبگان در روند توسعه مطبوعات، نقش تشدیدکننده داشته و به این ترتیب، در فرهنگ سیاسی مشارکت ناپذیر و رقابتی، توسعه نیافتگی مطبوعات افزایش یافته و در مقابل، فرهنگ سیاسی مبتنی بر مشارکت و رقابت، سبب رشد نیافتگی مطبوعاتی شده است (خانیک، ۱۳۹۷: ۱۶۴). تاریخ مطبوعات ثابت می کند که این صنعت همواره توانسته است خود را با نیازهای خوانندگان هماهنگ سازد و دگرگونی های آن در ساختار، محیط و شکل مطبوعات، بهترین نشانگر ادامه این راه است (ذاکر حسین، ۱۳۹۶: ۳۰).

محققان علوم ارتباطات بر این باورند که قدرت اثربخشی رسانه های محلی بیشتر از رسانه های هم جنس خود است و نشریات محلی، به دلیل کارکردهای ویژه خود در حوزه مسائل بومی، عمده ترین نقش را در شکل گیری رفتارهای اجتماعی در پایه ای ترین سطح، دارا هستند (داریوش، ۱۳۹۷).

مطبوعات عبارت از نشریاتی است که به طور منظم و در مواقع معین، با نام ثابت، تاریخ و شماره ردیف، چاپ و منتشر می شود و اخبار و اطلاعات و دیدگاه های گوناگون در زمینه های اقتصادی، سیاسی، دینی، علمی، فرهنگی و هنری را به آگاهی عموم می رساند و از این راه به روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح دانش در رشته خاص کمک می کند (معمدنژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

آنچه می تواند یک مطبوعه محلی را به سامان برساند، برخورداری از امکانات و شرایط سخت افزاری استاندارد و متناسب با شغل است تا بتواند نتیجه مورد نیاز را از حیطه شغلی

مورد نظر به دست دهد. بررسی تحریریه سازمان‌های مطبوعاتی در همین رده و راستا قرار می‌گیرد. کارکنان هیئت تحریریه با مطالب مربوط به خبر سروکار دارند. کارکنان بخش تجاری بر تبلیغات، شمارگان، امور مالی و مدیریت عمومی نظارت دارند. ناشر به عنوان رئیس امور اجرایی روزنامه فعالیت می‌کند و افراد دو گروه تجاری و هیئت تحریریه را مدیریت می‌کند (هارپر^۱، ۲۰۰۲: ۱۳۲-۱۳۴).

در سال‌های اخیر، رشد چند برابری صدور مجوزهای مطبوعات محلی (به عنوان نمونه، در یک دهه اخیر، افزایش سه برابری تعداد روزنامه‌های محلی و هفته‌نامه‌ها و دوهفته‌نامه‌های استانی) نشان می‌دهد که سیاست‌های اعمال شده در این زمینه پویا بوده است؛ اما عدم تأثیرگذاری این رسانه‌ها در سپهر رسانه‌ای، اثربخش نبودن این سیاست‌گذاری‌ها را آشکار می‌سازد؛ زیرا به رغم افزایش صدور مجوزها، فعالیت‌های حرفه‌ای در مسیر مطبوعات محلی حاکم نبوده و نتوانسته است به رشد و توسعه این مطبوعات منجر شود.

مسائلی مانند گسترش اینترنت و فضای سایبری، روند افزایشی استفاده از تلفن همراه هوشمند، هم‌گرایی رسانه‌ها، تولید محتوای چندرسانه‌ای و در دسترس بودن محتوای رسانه‌ای در هر زمان و هر مکان، از مهم‌ترین عوامل گرایش افراد به محتوای دیجیتال به جای محتوای چاپی بوده است (فرقانی و بنی‌تمیم، ۱۴۰۰).

از این‌روست که بررسی شرایط حاکم بر فعالیت مطبوعات محلی در مناطق مختلف کشور اهمیت پیدا می‌کند تا از رهگذر این بررسی، تأثیر حکومت مرکزی، سیاست‌های مرکز در استان‌ها و مناطق مختلف و نیز مسائل حاکم بر فرهنگ سیاسی نخبگان بر فعالیت رسانه‌ها بررسی شده و برای پیشبرد وضعیت یک بخش اساسی، یعنی مطبوعات محلی، واکاوی صورت گیرد.

لیکن در فضای رسانه‌ای پیچیده عصر نوین، استمرار و موفقیت فعالیت‌های رسانه‌ها و مطبوعات و کسب جایگاه و کارکردهای مطلوب آن‌ها، منوط به رعایت پاره‌ای از ویژگی‌های محتوایی است که باین حال، با چالش‌های متعددی مواجه بوده‌اند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷).

هدف اصلی این تحقیق، بررسی شرایط و کارکرد مطبوعات محلی به عنوان بخشی از رسانه‌های بومی کشور در نظر گرفته شده است. مطبوعات محلی به دلیل وابستگی به حوزه دولتی، از جمله در زمینه مجوزها، یارانه‌ها و نیز حمایت‌هایی مانند بیمه شاغلین این حوزه، تابع سیاست‌های بخش دولتی هستند. از این‌رو، بررسی کارآمدی سیاست‌های دولت در شرایط کنونی در روند فعالیت‌های مطبوعات محلی از منظر توجه به حوزه نفوذ، حوزه انتشار، مسائل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اداره مطبوعات محلی، شرایط صدور مجوزها، مسائل مربوط به حوزه نیروی انسانی و شاغلین این بخش، ساختار مدیریت مطبوعات محلی، توجه به اثربخشی یارانه‌های اعطاشده و کارآمد بودن شرایط کنونی اعطای مجوز و کمک‌های دولتی

در حوزه مطبوعات محلی، از اهداف این پژوهش محسوب می شود تا کارآمدی سیاست های دولتی در مرجعیت بخشیدن به رسانه های داخلی و موانع و آسیب های پیش روی گرایش مخاطبان به رسانه های داخلی، به ویژه در مطبوعات محلی، مورد بررسی قرار گیرد.

اهمیت نظری پژوهش

پژوهشگران در نخستین دهه بی درنگ پس از جنگ جهانی دوم شناخت و مطالعه کارکردهای رسانه ها را آغاز کردند. لازارسفلد و مرتن (۱۹۴۸) کارکردهای رسانه های خبری را در بهبود وضعیت و تقویت هنجارهای اجتماعی مورد بحث قرار می دهند. در حالی که مک کوایل (۲۰۰۰) به کارکرد رسانه های جمعی در بسیج مردم به مشارکت در تحول و تغییر اجتماعی توجه دارد (ویلیامز، ۲۰۰۳: ۸۴).

در این پژوهش مطبوعات محلی به عنوان یک پدیده اجتماعی تلقی می شوند و شناسایی آسیب ها و مسایل مبتلا به این پدیده اجتماعی، مدنظر خواهد بود. فعالیت مطبوعاتی همچون سایر فعالیت های تولیدی به شمار می رود که نیاز به برنامه ریزی بلندمدت، تدوین طرح های توجیهی، راهبرد سرمایه گذاری، ایجاد امکانات و تأسیسات زیربنایی رو بنایی، به کارگیری نیروی متخصص و توانمند و آگاهی از قوانین و مقررات موجود و بهره مندی از امنیت حرفه ای دارد.

در این مسئله به نظر می رسد کارکردهای مطبوعات محلی در ایران به شکل مناسب شناخته و مطبوعات محلی در ایران چندان مورد توجه نبوده و به نوعی کارکرد آن ها با نقص همراه است. با قاطعیت می توان مسایل مالی و کمبود نیروی تحصیل کرده و متخصص را دو محور اصلی مشکلات و مسایل نشریات محلی در ایران دانست؛ دو مشکلی که خود خالق مشکل های بی شمار دیگری از جمله وابستگی شدید برخی از این مطبوعات به نهادهای دولتی یا بنگاه های اقتصادی شهرستانی است (قاضی زاده، ۱۳۸۷).

مردم رویکرد منفعت طلبانه ای به هویت دارند که بر روی طیف وسیعی از دلبستگی ها، فعالیت ها و محیط ترسیم می شود. این دربرگیرنده همراهی و وابستگی به محله ها، شهرها، جوامع و مناطق می شود. محلی و منطقه ای می تواند به معنای چیزهای مختلف در بسترهای مختلف باشد، ممکن است به جوامع جغرافیایی نیز محدود شود و شاید در برگیرنده مفهوم اشکال دیگری از اجتماع باشد. به طور خلاصه محلی، مکانی در نقشه است و در عین تجربه ای است که از شخصی به شخصی و از مکانی به مکان دیگر متفاوت است (کریستوفر علی، ۲۰۱۷: ۶۹).

بروز انقلاب ارتباطی باعث شده است تا مردم قدرت ارتباطی را از رسانه ها (دروازه بانان) پس بگیرند. این امر به این معنی است که قدرت ارتباطی فناوری های نوین ارتباطی در حال قدرت بخشیدن به مخاطبان هستند و از حالت محدود به گسترده و به حالت گسترده به گسترده نقل مکان کرده است (شکرخواه، ۱۳۸۵: ۸۱).

از این رو به یقین، در عصری به سر می‌بریم که روزنامه‌نگاری و جامعه هر دو در معرض تحولاتی ژرف قرار گرفته‌اند. در یک چنین اوضاع و احوالی بزرگترین چالش مطالعات روزنامه‌نگاری بازتاب دادن روابط قدرت است که علاقه و منافع این حرفه را تشکیل می‌دهد و در عین حال آن را تهدید می‌کند (هانیک و یورگنسن^۱، ۲۰۰۹: ۲۴-۲۵).

تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه مطبوعات محلی، روزنامه‌نگاری محلی و روزنامه‌نگاری توسعه در کشور صورت گرفته که این تحقیق‌ها نشان می‌دهد روزنامه‌نگاری محلی و روزنامه‌نگاری توسعه در فعالیت‌های مطبوعاتی این حوزه نقش پررنگی نداشته و نتوانسته است به تعاریف ویژه این حوزه جامع عمل ببوشاند. در این حوزه اما تعریف دقیق و جامعی از روزنامه‌نگاری محلی و ارتباط آن با روزنامه‌نگاری توسعه به عنوان ارائه یک مدل برای مدیریت محتوا در مطبوعات محلی صورت نگرفته است.

مبانی نظری پژوهش

در بخش ادبیات نظری پژوهش، با توجه به کارکردها و جایگاه مطبوعات و نیز مطبوعات محلی، از نظریه‌های ارتباطات و توسعه، نظام‌های رسانه‌ای و دروازه‌بانی خبر استفاده خواهد شد. همچنین، در چارچوب نظری، به نظریه رسانه‌های مشارکت‌کننده و نیز نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش خواهیم پرداخت. افزون‌براین، بررسی جایگاه روزنامه‌نگاری محلی و نیز سازمان‌های خبری به‌منظور دست‌یافتن به مفاهیم اصلی پژوهش در بخش روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نیز مدنظر قرار خواهد گرفت.

برای تدارک نظری این پژوهش، از نظریه‌های رسانه‌ها، نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش، نظریه ارتباطات و توسعه، نظریه دروازه‌بانی و نظریه نظام‌های رسانه‌ای بهره گرفته شده است. در بررسی نقش و کارکردهای وسایل ارتباط جمعی در نظام‌های سیاسی معاصر، چهار طبقه‌بندی از انواع نظام‌های مطبوعاتی در دنیای غرب وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها، طبقه‌بندی سیبرت^۲، پترسون^۳ و شرام در کتاب چهار نظریه مطبوعات است. در این اثر، مؤلفان، نظام‌های مطبوعاتی را به چهار دسته اقتدارگرا، آزادی‌گرا، مسئولیت اجتماعی و تمامیت‌خواه شوروی تقسیم کرده‌اند. این چهار طبقه‌بندی، ریشه در سنت‌های فلسفی و انقلاب‌های بزرگ دارد. نظریه‌های هنجاری به تشریح باید‌ها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباط جمعی، یا به عبارتی، نظام‌های کنترل و مدیریت رسانه‌ها می‌پردازند. نحوه کنترل و مالکیت رسانه‌ها بر محتوای آن‌ها اثر می‌گذارد و این امر، به نوبه خود، اثرات رسانه‌ها را معین و مشخص می‌سازد (سورین و تانکارد^۴، ۱۹۹۲: ۵۰).

1. Hanich & yorgensen

2. Siebert

3. Peterson

4. Severin & Tankard

در تعریف رایج، دروازه‌بانی شامل فعالیتی است که یک سازمان ارتباطی و نمایندگان آن انجام می‌دهند. بحث ما درباره دروازه‌بانی از نقطه‌ای آغاز می‌شود که یک عامل ارتباطی از یک پیام بالقوه یا بالفعل آگاه می‌شود و نقطه پایانی بحث نیز آنجاست که مجموعه‌ای از پیام‌ها به یک گیرنده منتقل می‌شود. یک دروازه، مرز تصمیم "ورود" و "خروج" است و پیام‌ها از کانال‌های مختلف به سازمان ارتباطی وارد می‌شوند (شومیکر^۱، ۱۹۵۰: ۹).

از نظر هالین و مانچینی، یک نظام رسانه‌ای دارای چهار بعد است: میزان توسعه بازار رسانه، میزان تشابه سیاسی با گروه‌ها یا گرایش‌های سیاسی، میزان توسعه حرفه‌ای‌گرایی روزنامه‌نگارانه و نقش دولت در نظام رسانه‌ای. آن‌ها این ابعاد را بر اساس کم یا زیاد بودن این متغیرها تقسیم‌بندی کردند. این مدل از نظام رسانه‌ای شامل سه بخش است: رسانه‌ها، رابطه مردم با رسانه‌ها و رابطه نظام سیاسی - اقتصادی با رسانه‌ها (خانیکی، ۱۳۹۹).

روایتی از پژوهش و فعالیت ارتباطی نیز در نیمه دوم قرن بیستم، متناسب با نیازهای توسعه در جهان سوم، طراحی شده که به "ارتباطات توسعه" شهرت یافته است. طرح‌ها و پژوهش‌های ارتباطات توسعه در دهه ۱۹۶۰ رونق گرفت. آثار دنیل لرنر^۲ (۱۹۵۸)، ویلبر شرام^۳ (۱۹۶۴)، اورت راجرز^۴ (۱۹۶۲) و بسیاری دیگر، از جمله فردریک فری، لوسین پای و لاکشما نارائو، همگی گواه بر این کنش پرشور در دهه ۱۹۶۰ هستند.

تهرانیان در جست‌وجو برای تعریف مسئله ارتباطات و توسعه در ایران، معتقد است که رسانه‌ها باید بتوانند در به سرانجام رساندن سه انقلاب ناگزیر اقتصادی، سیاسی و ارتباطی در کشور، نقش پیونددهنده داشته باشند.

همچنین، برای بررسی چارچوب نظری این تحقیق، از نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش و نظریه رسانه‌های دموکراتیک مشارکتی بهره گرفته شده است تا به بررسی ابعاد فعالیت رسانه‌ها در زیست‌بوم و تحت حاکمیت دولت‌ها پرداخته شود.

نقطه آغاز یک "نظریه توسعه" مجزا برای رسانه‌های جمعی، برخی شرایط مشابه کشورهای در حال توسعه است که کاربرد سایر نظریه‌ها را در مورد این کشورها محدود می‌کند و از فواید آن‌ها می‌کاهد. یکی از این شرایط، نبود الزامات ضروری نظام‌های ارتباطی توسعه‌یافته است که از میان آن‌ها می‌توان به زیرساخت‌های ارتباطی، مهارت‌های حرفه‌ای، منابع تولیدی و فرهنگی و مخاطبان در دسترس اشاره کرد (مک‌کوایل^۵، ۱۹۸۸: ۵۹).

نظریه رسانه‌های دموکراتیک مشارکتی، مشابهت‌هایی با نظریه رسانه‌های توسعه‌بخش

1. Shoemaker
2. Lerner
3. Schramm
4. Rogers
5. McQuail

دارد؛ با این تفاوت که در جوامع لیبرال، جایگاه بیشتری دارد. نظریه رسانه‌های دموکراتیک - مشارکت‌کننده با ایجاد جامعه توده‌وار مخالف است و در مقابل، از حق کاربرد رسانه‌ها در مقیاس‌های کوچک اجتماعی دفاع می‌کند. به عبارت دیگر، به جای مخاطبان کلان، طرفدار مخاطبان خرد است و واکنشی در برابر تمرکزگرایی تجاری و انحصار رسانه‌ها محسوب می‌شود. این نظریه از تنوع رسانه‌ای، کوچک بودن مقیاس، سهولت تبادل آرا بین منبع پیام و گیرنده پیام، محلی بودن انتشار و پیوندهای افقی ارتباطات در سطوح مختلف جامعه پشتیبانی می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۴۰۲: ۹۷).

پیشینه تحقیق

برای مرور تجربی این پژوهش، در بررسی تحقیقات پیشین، اعم از خارجی و داخلی، تحقیقاتی با موضوعاتی چون مطبوعات محلی، مطبوعات محلی و رسانه‌های جدید، بررسی فعالیت مطبوعات محلی و بررسی وضعیت فعالیت روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در این مطبوعات که در یک دهه اخیر با موضوع پژوهش مرتبط بوده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

تحقیقات پیشین خارجی

به منظور دست یافتن به مطالعات روز خارجی در حوزه فعالیت حرفه‌ای مطبوعات، به ویژه مطبوعات محلی، پژوهشگر هفت مقاله خارجی منتشر شده در بازه زمانی حداکثر ۱۰ سال اخیر در مجلات بین‌المللی این حوزه را ترجمه و نتایج آن‌ها را در این پژوهش بررسی کرده است. تحقیقات در حوزه مطبوعات محلی، این حوزه را از زوایای گوناگونی مورد بررسی قرار می‌دهند. یکی از مسائلی که در حوزه مطبوعات محلی بررسی می‌شود، چالش عصر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در برابر نسخه‌های کاغذی رسانه‌ها است. نانسی فیلدر^۱ در پایان‌نامه دکتری فلسفه خود در دانشگاه مرکزی لنک‌شایر در ژانویه ۲۰۱۹ با عنوان "پلتفرم‌های تلفن همراه: به چالش کشیدن مدل‌های سنتی ارائه و توزیع اخبار محلی در انگلستان"، به بررسی فقدان محتوای موبایلی و دلایل آن پرداخته است. آنچه به نظر می‌رسد، شکست صنعت در پذیرش کامل یک پلتفرم جدید است.

در تحقیقی دیگر به منظور تجزیه و تحلیل تأثیر ابزارهای دیجیتال بر تولید اخبار، هویت و صلاحیت در اتاق‌های خبر روزنامه‌های منطقه‌ای در بریتانیا، ربکا لوسی ویتینگتون^۲، در رساله دکتری فلسفه خود از دانشکده هنر و ارتباطات دانشگاه لیدز در سال ۲۰۲۰، به مسئله اخبار منطقه‌ای و محلی در روزنامه‌های بریتانیا پرداخته است. بسته شدن روزنامه‌ها و ادغام

1. Fielder

2. Whittington

شرکت‌های مطبوعاتی، نگرانی خاصی را در مورد کاهش روزنامه‌نگاری با منافع عمومی و کاهش مسائل مرتبط در تعامل عمومی با دموکراسی محلی ایجاد کرده است.

مقاله‌ای با عنوان "روزنامه‌نگاری محلی در چشم‌انداز رسانه‌های جدید؛ فرصت‌ها و چالش‌ها" (۲۰۱۷) از سوی سری هاستجارجو^۱، از گروه ارتباطات دانشگاه اندونزی، نیز به چالش‌های روزنامه‌نگاری محلی در دهه اخیر پرداخته است. بر اساس این تحقیق، رویه روزنامه‌نگاری محلی، هم‌زمان با افزایش استفاده از رسانه‌های جدید در میان مخاطبان و افرادی که در صنایع رسانه‌ای فعالیت می‌کنند، در حال تغییر است.

مسئله جهانی شدن و از میان رفتن مرزهای جغرافیایی در تولید و انتشار خبرها نیز به واسطه شبکه‌های اجتماعی، یکی از مسائل حوزه مطبوعات محلی در پژوهش‌های اخیر بوده است. تأثیر جهانی شدن بر مطبوعات محلی در چین (مطالعه موردی: روزنامه جوانان پکن از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۶) در رساله دکتری شیشین ژانگ^۲ (۲۰۰۸) در دانشگاه لیدز (دانشکده زبان‌ها و فرهنگ‌های مدرن) بررسی شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که جهانی شدن بر بسیاری از جنبه‌های روزنامه‌های محلی، از جمله سیاست رسانه‌ای، سازمان، عملکرد روزنامه‌نگاری، نقش روزنامه‌نگاران و پوشش اخبار جهان، تأثیر می‌گذارد.

رساله دکتری سارا مک‌کانل^۳ (۲۰۱۶) از گروه مطالعات روزنامه‌نگاری، با عنوان "این مکان! چالش و تغییر هویت روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال: مطالعه سه اتاق خبر محلی لندن"، به مسئله هویت روزنامه‌نگاری و محیط‌های اتاق خبر روزنامه‌های محلی در تغییر رویکردها در عصر دیجیتال پرداخته است.

تحقیقات پیشین داخلی

برای یافتن پیشینه تحقیقات داخلی برای این پژوهش، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع، مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیقات داخلی در حوزه مطبوعات محلی نیز بررسی جایگاه مطبوعات محلی، الگوهای تولید محتوا در مطبوعات محلی، آسیب‌شناسی مطبوعات محلی به صورت موردی در استان‌های مختلف و بررسی روند فعالیت مطبوعات محلی با رویکرد حرفه‌ای، مورد توجه بوده است.

در این بخش نیز تحقیقات داخلی از چند جنبه قابل بررسی هستند. زهرا کریمی، حسین انتظامی و علی اصغر محکی (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان "جایگاه روزنامه‌نگاری محلی از نگاه کارشناسان و متخصصان این حوزه" دریافتند که از نظر مدیران، دبیران، خبرنگاران و استادان روزنامه‌نگاری، تأثیر رعایت اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، اهمیت تخصص روزنامه‌نگاری در

1. Hastjarjo
2. Zhang
3. McConnell

جذب مخاطب؛ تأثیر پاداش، تشویق، حقوق و مزایا؛ تأثیر امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری؛ رابط خبری، ویزیتور، کارآموز و کارمند؛ وجود شبکه‌های مجازی؛ داشتن مدرک تحصیلی مرتبط؛ اهمیت انتشار مرتب و پوشش اخبار و موضوعات مورد انتظار مخاطبان؛ تناسب میان اخبار سیاسی، اجتماعی و ورزشی محله؛ کاربرد طراحی و گرافیک در روزنامه محلی؛ تناسب میان شاغلان و پست‌های تخصصی مورد نیاز؛ تنوع خبر و گزارش خبری و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بومی محلی؛ و لزوم زمینه‌های اقلیمی، تاریخی و فرهنگی محله، در کیفیت کار روزنامه‌نگاری محلی با اهمیت است؛ اما آن‌ها در هیچ‌یک از این زمینه‌ها شناخت کافی ندارند. داوود نعمتی انارکی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان "الگوی مدیریت کیفیت محتوا در روزنامه‌های محلی ایران" دریافتند که محتوای مطالب مطبوعات محلی می‌تواند در جذب مخاطبان مؤثر باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به نظر خبرگان مصاحبه‌شده، در بحث پدیده محوری مدیریت کیفیت محتوا در روزنامه‌های محلی ایران، اولین شاخص، ترجیح دادن نشریات مستند و مکتوب بوده و باید این موضوع، کمی فرهنگ‌سازی شود تا بتواند نتیجه مطلوب را شکل دهد. همچنین، باید دستورالعمل‌هایی در جهت کیفیت محتوا ارائه شده و سرعت انتشار مطالب در روزنامه‌های محلی افزایش داشته باشد. فائزه تقی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، در "مطالعه کیفی آسیب‌های مطبوعات محلی شهر اصفهان از دیدگاه فعالان باتجربه" به شناسایی آسیب‌های ساختار مطبوعات محلی شهر اصفهان پرداخته‌اند. براساس این تحقیق، ضعف در عملکرد و تخصص مدیران و سردبیران مطبوعات محلی، ضعف در تخصص و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و خبرنگاران مطبوعات محلی، پایین بودن کیفیت محتوایی نشریات محلی، جذاب نبودن ظاهر و جذابیت جانبی مطبوعات محلی، توزیع نامناسب مطبوعات محلی و فعالیت نامناسب متصدیان دکه‌های مطبوعاتی، مهم‌ترین آسیب‌های درونی و عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عملکرد سازمان‌های دولتی و غیردولتی و شکل‌های مطبوعاتی، مهم‌ترین آسیب‌های بیرونی مطبوعات محلی شهر اصفهان بوده‌اند.

در مطالعه‌ای که برای سنجش رابطه بین تماشای شبکه استانی مازندران با درونی‌شدن فرهنگ بومی استان (۱۳۹۸) توسط علی دارابی و همکاران در فصلنامه ارتباطات و رسانه به چاپ رسیده، هدف اصلی پژوهش، شناخت رابطه بین تماشای شبکه استانی مازندران با درونی‌شدن فرهنگ بومی این استان ذکر شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق، ماهیت رابطه میان میزان تماشای شبکه تلویزیونی استان مازندران و درونی‌شدن فرهنگ بومی این استان، رابطه‌ای مستقیم و بسیار قوی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با توجه به نتایج به دست آمده، میان میزان تماشای شبکه مازندران و درونی‌شدن همه شاخص‌های فرهنگ بومی مازندران و در نتیجه، درونی‌شدن فرهنگ بومی

مازندران، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و همه فرضیات پژوهش تأیید شده‌اند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهریار قلی‌زاده با عنوان "تحلیل ساختار و محتوای مطبوعات محلی از حیث توجه به اصول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و توسعه‌ای (مورد مطالعه: نشریات استان اردبیل)" (۱۳۹۸) در دانشگاه علامه طباطبائی انجام شده است. در این تحقیق، مسئله موردنظر این بود که مطبوعات استان اردبیل در زمینه توجه به اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و نیز معیارهای روزنامه‌نگاری توسعه در چه وضعیتی قرار دارند. غیرتولیدی بودن اکثر مطالب نشریات، حتی اخبار مربوط به استان و در اغلب موارد، بدون ارجاع به منبع مشخص و همچنین توجه صرف به رویدادها و عدم مطالبه‌گری، از نکات بارز در این نشریات بودند.

اکبر حیدری در پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۸۷، با عنوان "مطبوعات محلی و امنیت ملی: بازتاب هویت قومی و ملی در مطبوعات محلی استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان" دریافته است که مطبوعات محلی استان‌های موردنظر می‌توانند بر هویت ملی و هویت قومی تأثیرگذار باشند و بنابراین، می‌توانند در جهت تقویت امنیت ملی گام بردارند؛ یعنی اخبار و گزارش‌های نشریات محلی، متناظر با امنیت و هویت ملی بوده است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد ابراهیم محمدحسینی با عنوان "مطبوعات محلی و توسعه: تحلیل محتوای مطالب توسعه در چهار نشریه محلی و سراسری" (۱۳۹۰) نیز به بررسی روزنامه‌نگاری توسعه از طریق تحلیل محتوای مطالب توسعه در چهار نشریه (دو نشریه محلی استان کردستان و ضمیمه روزانه ویژه استان کردستان روزنامه‌های جام‌جم و ایران در سال ۱۳۸۸) می‌پردازد. نتایج حاصل نشان داد که در نشریات موردبررسی، اخبار و مطالب مربوط به توسعه به‌طور یکسان و متعادلی انعکاس نیافته و بیشترین تعداد مطلب مربوط به توسعه، در هفته‌نامه‌های محلی منتشر شده است. در کل، نشریات موردبررسی، مطالب توسعه کمی را بیشتر موردتوجه قرار داده‌اند که برابر با مفهوم رشد است و با اصل مفهوم توسعه که سطح کیفی را نیز در برمی‌گیرد، فاصله دارد.

مقاله "آسیب‌شناسی مطبوعات محلی از منظر روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری توسعه" توسط محمد مهدی فرقانی در فصلنامه فرهنگ و رسانه (۱۳۹۲) به چاپ رسیده است. عدم توجه به تولید محتوای محلی و پوشش مسائل و نیازهای محلی، بی‌توجهی به ژانرهای فرایندمدار در روزنامه‌نگاری، شخصیت‌گرایی و شهرت‌زدگی، غلبه شدید عناصر خبری "چه" و "که" بر عناصر خبری "چرا" و "چگونه"، پایین بودن سهم مطالب توسعه‌ای در نشریات موردبررسی، عدم نقد برنامه‌های توسعه و بی‌توجهی به آداب، رسوم و سنت‌های محلی، از جمله آسیب‌هایی است که این مقاله با عنایت به یافته‌های دو تحقیق از پیش گفته‌شده به جمع‌بندی آن‌ها پرداخته است.

"رسانه‌های محلی و توسعه؛ مطالعه موردی استان زنجان" (۱۴۰۰)، تحقیق دیگری است که توسط مرتضی صفری و همکاران در دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه به چاپ رسیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان شناخت گروه‌های برگزیده شهری از رسانه‌های محلی استان و تولیدات آن‌ها اندک بوده و این رسانه‌ها نتوانسته‌اند موفقیت چندانی در جذب مخاطبان نخبه به دست آورند. افزون بر این، اغلب مشارکت‌کنندگان در تحقیق اعتقاد دارند که رسانه‌های محلی در ابعاد مختلف توسعه استانی به دلایل گوناگون دچار ضعف‌های جدی، از جمله عدم تأثیرگذاری و جریان‌سازی، هستند.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش کیفی، با استفاده از تکنیک‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، فعالیت مطبوعات محلی از مراحل اولیه تا نقطه پایانی، با بهره‌گیری از مضامین رایج در این بخش، استخراج و تحلیل می‌شود. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، که روش جمع‌آوری داده در این تحقیق کیفی است، این فرصت را فراهم می‌کند که با استفاده از مضامین رایج، در دسترس و در حال وقوع و اجرا، کنش‌های این بخش از رسانه‌ها شناسایی شود.

مفهوم پژوهش کیفی، طیف گسترده‌ای از روش‌های پژوهشی را دربرمی‌گیرد. اریکسون چهار ویژگی مشخص را برای پژوهش کیفی برمی‌شمارد: مشارکت عمیق و درازمدت در میدان پژوهش؛ ضبط دقیق آنچه در محیط می‌گذرد از طریق یادداشت‌های میدانی یا انواع دیگر شواهد مستند؛ تحلیل داده‌های میدانی؛ و گزارش نتیجه‌گیری‌ها در قالب توصیف‌های مفصل و انواع نقل‌قول‌ها و اظهارنظرها. پژوهشگر کیفی خود را بخشی ناگسستنی از داده‌ها می‌داند؛ در حقیقت، بدون مشارکت فعال پژوهشگر، داده‌ای وجود ندارد. پژوهشگر کیفی مطالعاتش را در میدان یا صحنه اصلی، یعنی در محیط‌های طبیعی، انجام می‌دهد و می‌کوشد تا جریان عادی رویدادها را بدون کنترل کردن متغیرهای بیرونی، دریابد (دی‌ویمر و دومینیک^۱، ۱۳۹۱: ۱۶۰). جامعه موردبررسی این پژوهش شامل دو گروه است: گروه نخست، صاحب‌نظران و روزنامه‌نگاران رسانه‌های محلی در مازندران و گروه دوم، استادان حوزه ارتباطات و روزنامه‌نگاری در تهران، یعنی پژوهشگران و متخصصان ارتباطات و رسانه.

داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش، به روش "تحلیل مضمون" تجزیه و تحلیل می‌شود. تحلیل مضمون نه تنها یک روش تحلیل مستقل است، بلکه سایر روش‌های تحلیل داده‌ها، نظیر تحلیل روایت، نشانه‌شناسی و نظریه زمینه‌ای نیز مبتنی بر آن هستند. در واقع، اکثر روش‌های کیفی، ناگزیر از گذراندن فرایندهای تحلیل مضمون، از قبیل مفهوم‌یابی، مقوله‌سازی، سازمان‌دهی و الگوسازی هستند.

تحلیل مضمون یکی از روش های رایج کیفی است که پژوهشگران رشته های ادبیات، روان شناسی، جامعه شناسی، مردم شناسی، تاریخ، هنر و غیره از آن استفاده کرده اند. تحلیل مضمون را می توان یکی از روش های بنیادین تحلیل کیفی در نظر گرفت که با سایر روش های تحلیلی که به دنبال تشریح الگوهای کیفی هستند، تفاوت دارد. به طور معمول، نخستین تلاش نظام مند برای تحلیل داده ها با مقوله بندی و کدگذاری آغاز می شود و پژوهشگران پس از فراهم آوری داده های ارزشمند، به ضرورت مقوله بندی و کدگذاری پی می برند (لیندلف و تیلور^۱، ۱۹۶۱: ۳۰۷).

داده ها در تحلیل محتوا، بیشتر از شکل نمادین پیچیده در یک زبان طبیعی برمی خیزند. کارتون ها، یادداشت های شخصی، متون، تئاتر، آگهی ها، فیلم ها، تعامل گروه های کوچک، مصاحبه یا صدا، هر یک دارای نحوه معناشناسی خاص خود هستند و کمتر به صورت نمودهای اولیه خود قابل تحلیل اند. واحدهای نمونه گیری نیز بخش هایی از واقعیت مورد مشاهده یا جریان بیان زبانی منبع تحقیق اند که مستقل از هم به شمار می آیند (کریپندورف^۲، ۱۹۸۰: ۸۶). پس از شناسایی مضامین و دسته بندی آن ها، از طریق جداول هر مضمون فراگیر، نمودارهای آن ترسیم و سپس یافته ها تحلیل می شود. در بخش نتیجه گیری ها، یافته های حاصل از مشاهده مشارکتی، یافته های حاصل از مصاحبه عمیق با روزنامه نگاران مازندرانی و سپس مصاحبه با پژوهشگران حوزه ارتباطات و روزنامه نگاری دسته بندی شده و پیشنهاد های این پژوهش ارائه می شود.

یافته های پژوهش

برای دست یافتن به پرسش های مطرح شده در حوزه آسیب ها و جایگاه فعالیت حرفه ای مطبوعات محلی و نیز راهکارهای باز یابی مرجعیت رسانه ای این گروه از رسانه ها، گفت و گوی نیمه ساختاریافته با روزنامه نگاران محلی و نیز صاحب نظران و متخصصان حوزه روزنامه نگاری و ارتباطات کشور انجام و بررسی شده است.

به منظور تفسیر و تحلیل یافته های به دست آمده از مصاحبه نیمه ساختاریافته به روش تحلیل مضمون، با ۲۰ نفر مصاحبه انجام شد. این افراد شامل دو گروه مصاحبه شونده بودند: دسته اول، ۱۰ نفر از روزنامه نگاران شناخته شده مازندرانی با سابقه بیش از ۲۰ سال در حوزه رسانه های استانی و محلی؛ و دسته دوم، ۱۰ نفر از استادان ارتباطات و پژوهشگران دانشگاهی.

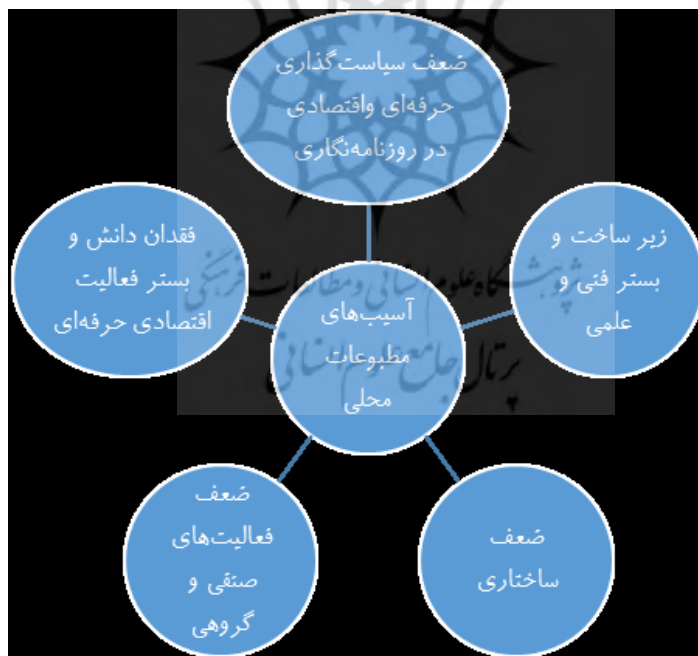
فایل های مصاحبه ها پیاده سازی و پس از استخراج شبکه مضامین، در جداول مورد نظر توصیف شدند. برای هر دو بخش، در مرحله توصیف داده ها از جداول و در بخش دسته بندی نیز از نمودارهایی برای تدوین الگوی یافته ها استفاده شده است.

1. Lindlof & Taylor
2. Krippendorff

در این پژوهش، برای کسب نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان درباره ابعاد و زوایای گوناگون شاخص‌های پنج‌گانه موردبررسی، پرسش‌هایی به‌عنوان سؤالات محوری نیمه‌ساختاریافته تدوین شده است. همچنان‌که معمول روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است، دست مصاحبه‌کننده (پرسشگر) در مطرح کردن پرسش‌های جدید از لابه‌لای گفت‌وگوهای مصاحبه‌شونده و در شرایط حضور در محل مصاحبه، به‌طور کامل باز بوده تا موضوعات به‌خوبی تبیین و تشریح شود.

۱۲ سؤال در قالب پرسش‌های پژوهشگر در حوزه‌های مشاهده‌شده در بخش اول، مطرح شد. مضامین پایه به‌دست‌آمده از ۸۰ صفحه مصاحبه مکتوب حاصل از گفت‌وگو با این افراد، در چهار بخش جداگانه مضامین پایه، فراگیر و سازمان‌دهنده، دسته‌بندی شده و نتیجه آن در شکل‌های جداگانه به‌منظور دسته‌بندی نتایج به‌دست‌آمده، ترسیم شده است.

در این پژوهش، با شناسایی مضامین استخراج‌شده از مجموعه داده‌هایی که از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته حاصل شده است، تلاش شد نمایی از آسیب‌های مطبوعات محلی نشان داده شود. بنابراین، یک شبکه مضمونی پژوهش در قالب شکل ۱ و نیز یک الگوی استخراج‌شده از مضامین، ترسیم شده است تا آسیب‌های روزنامه‌های محلی را نشان دهد.



شکل ۱. شبکه مضامین فراگیر در آسیب‌شناسی مطبوعات محلی از منظر روزنامه‌نگاران

شکل ۱، شبکه مضامین فراگیر آسیب های مطبوعات محلی است که از منظر روزنامه نگاران و فعالان رسانه ای این حوزه حاصل شده است. این الگو، یافته های حاصل از مصاحبه بخش نخست را نشان می دهد که در فصل آخر پژوهش، نتایج حاصل از این یافته ها با یافته ها و نظرات حاصل از مصاحبه پژوهشگران و استادان حوزه ارتباطات ادغام و نتیجه گیری می شود. در این بخش، تنها به آن دسته از مضامینی اشاره شده است که موجب بروز شرایط کنونی مطبوعات محلی شده و رفع هر یک از این نقایص، سبب تحقق بهتر و سهل تر این برنامه در کشور خواهد شد.



شکل ۲. الگوی استخراج شده از یافته های حاصل از آسیب شناسی مطبوعات محلی

ضعف سیاست گذاری، ضعف ساختاری، وضعیت اقتصادی، ضعف نهاد متولی، فقدان فعالیت صنفی و گروهی و نبود زیر ساخت و بستر فنی و علمی، مضامین فراگیر در آسیب شناسی مطبوعات محلی از منظر فعالان مطبوعاتی و روزنامه نگاران محلی در استان مازندران به شمار می رفتند.

ضعف نهاد متولی

برای به دست آوردن مضامین فراگیر در زمینه آسیب شناسی مطبوعات محلی، مسئله ضعف نهاد متولی یکی از پرتکرارترین پاسخ ها در مصاحبه با روزنامه نگاران محلی بود که به نظر می رسید به عنوان حلقه نخست این آسیب، مدنظر قرار دارد. پاسخگویان از ابتدای جریان فعالیت مطبوعات،

یعنی صدور مجوزها، این مسئله را آسیب‌زا و موجب شکننده شدن فعالیت رسانه‌ها بیان می‌کردند که در مراحل بعدی این فعالیت، مانند استقرار دفاتر، به‌کارگیری نیروی انسانی و آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های این حوزه و نیز مسائل مالی مربوط به مطبوعات محلی، تأثیر به‌سزایی داشت. مصاحبه‌شوندگان، روابط فردی و سیاسی را در ارزیابی کیفیت محتوای مطبوعات محلی و نیز صدور مجوزها، از مهم‌ترین آسیب‌ها در این بخش عنوان کردند. بی‌توجهی نهاد متولی به چارت سازمانی و نیز محتوای مطبوعات و ضرورت دانش‌افزایی، کم‌رنگ‌شدن ارزش روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در مطبوعات محلی و بی‌توجهی به اهلیت درخواست‌کنندگان مجوز را در آسیب‌های مطبوعات محلی، مهم برشمردند. فقدان توجه نهاد متولی به تربیت نیروی انسانی متخصص و به‌تبع آن، نبود نیروی انسانی متخصص در بخش‌های مختلف تحریریه در کیفیت فعالیت مطبوعات محلی، از جمله آسیب‌های موجود و مهم دانسته شده است.

ضعف ساختاری

در این بخش که مضمون فراگیر آن، ضعف ساختاری مطبوعات محلی بوده و پیرو مضمون فراگیر نخست آمده است و از علل رخداد آن به‌نظر مصاحبه‌شوندگان، ضعف نهاد متولی به‌شمار می‌رفت، این ضعف در زمینه محتوایی و جذب مخاطب، تأثیر به‌سزایی دارد. مصاحبه‌شوندگان، عدم برخورداری از چارت سازمان رسانه‌ای، نداشتن خبرنگار در تحریریه، استفاده از خبرنگار حق‌التحریر ارزان‌قیمت، بیمه‌نبودن خبرنگاران همکار، اداره یک روزنامه محلی با یک یا دو نفر، عدم توزیع مناسب و کاهش شدید شمارگان را از جمله مسائلی بیان کردند که در بخش مدیریت حرفه‌ای مطبوعات محلی، بیشترین نقش را داشته است. به‌گفته مصاحبه‌شوندگان، نبود سرویس‌های خبری تخصصی و فقدان مدیریت قوی، به فقدان تأثیرگذاری و مرجعیت در مطبوعات محلی منجر شده است. اختصاص تیر یک و صفحه نخست به سفارش‌دهنده آگهی، معیارهای غیر حرفه‌ای گزینش خبرنگاران و نبود خبرنگار حرفه‌ای، دروازه‌بانی اخبار را در این مطبوعات دچار چالش کرده و موجب شده است که رویکرد سیاسی مدیران و فقدان تخصص، با به‌کارگیری افراد غیرمتخصص و فاقد دانش روز، به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در این مطبوعات صدمه وارد کند.

منافع اقتصادی و سیاسی، جنسیت‌زدگی، تعامل ضعیف با مخاطب، نرخ پایین انتشار کاغذی، عدم توزیع شهرستانی، توزیع در شهرداری‌ها و اداره ثبت، شمارگان پایین، توزیع محدود نسخه‌های کاغذی، توزیع در مرکز استان، فقدان اثرگذاری در شبکه‌های اجتماعی، اداره شدن مطبوعات با یک نفر و فقدان کار گروهی و تیمی، از دیگر مضامین احصاشده در این بخش به‌شمار می‌روند که از نظر مصاحبه‌شوندگان، بر اثر وجود ضعف ساختاری در مطبوعات محلی، حادث شده است.

ضعف فعالیت‌های صنفی و گروهی

بررسی وضعیت حوزه عمومی، از اصلی‌ترین پرسش‌ها در حوزه ارتباطات و تعاملات میان فعالان مطبوعات محلی، از پرسش‌های دیگر این پژوهش به‌شمار رفته است که موجب احصای مضمون فراگیر "ضعف فعالیت صنفی و گروهی" شده است. عدم وجود نیروی انسانی شاغل در دفاتر، ارتباط از طریق فضای مجازی، عدم وجود ساختارهایی مانند سرویس‌های خبری و شورای تیر و نبود خبرنگار حرفه‌ای در دفاتر و همچنین نبود تعاملات حرفه‌ای روزنامه‌نگارانه، مضامین سازمان‌دهنده در آسیب‌های مطبوعات محلی بودند.

پیگیری منافع و مطامع شخصی در تشکلهای صنفی و عدم تمایل به فعالیت صنفی ناشی از فقدان دغدغه مدیریت حرفه‌ای و فقدان مسئولیت‌پذیری، از نظر مصاحبه‌شوندگان، مضامین پرکاربرد در این بخش بود که موجب ارجحیت یافتن روابط اقتصادی و رقابت منفی شده است. به بیان مصاحبه‌شوندگان، این امر موجب می‌شود که تشکل صنفی منسجم و فعالیت گروهی منسجمی برای پیگیری وضعیت این حوزه از رسانه‌ها وجود نداشته باشد.

ضعف سیاست‌گذاری حرفه‌ای و اقتصادی در حرفه روزنامه‌نگاری

بر اساس مضامین به‌دست‌آمده در این جدول، مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند ضعف در سیاست‌گذاری، در بلندمدت موجب وارد شدن آسیب به مطبوعات محلی شده است. مصاحبه‌شوندگان، تنزل جایگاه روزنامه‌نگاران، کاهش نشر کاغذی، عدم بهره‌برداری صحیح از فضای مجازی برای جذب مخاطب، از دست‌رفتن توان رقابت مطبوعات محلی در برابر شبکه‌های مجازی و نیز شکل‌گیری هسته غیرمتخصص در حوزه مطبوعات محلی را از مهم‌ترین نتایج دانستند که از سیاست‌گذاری نادرست طی سال‌ها در این حوزه، حاصل آمده است. کوچ نیروهای توانمند و پرورش نیافتن نیروی انسانی متخصص در حوزه مطبوعات محلی در یک دهه اخیر، به دلیل نبود سیاست‌گذاری در حوزه پرورش و تربیت نیروی انسانی خبره و متخصص در استان‌ها، مضامین حاصل‌شده در این بخش هستند که به نظر مصاحبه‌شوندگان، همین امر در کیفیت پایین محتوایی مطبوعات محلی، اثر مستقیم گذاشته است.

عدم سیاست‌گذاری و تدوین آموزش‌های لازم در حوزه اقتصاد رسانه، آموزش شیوه‌های نوین روزنامه‌نگاری و ره‌اشدگی و آسیب‌زا شدن فعالیت مطبوعات محلی، مهم‌ترین نکاتی بود که موجب شده به‌نظر مصاحبه‌شوندگان، اثرگذاری مطبوعات محلی به‌طور محسوس کاهش یافته و به شمارگانی بسیار اندک (به‌عنوان نمونه، ۳۰۰ تا ۵۰۰ نسخه برای ۴۳۱ رسانه) در گستره جغرافیایی مدنظر برسد.

فقدان دانش و بستر فعالیت اقتصادی حرفه‌ای

بخش اقتصادی مطبوعات محلی، به دلیل آن‌که یکی از آسیب‌های جدی در این حوزه به‌شمار می‌رود، در جدولی مستقل سازمان‌دهی شده است. مکفی نبودن دستمزدها در دفاتر مطبوعات محلی، دولتی شدن اقتصاد رسانه‌ها و نیز وابستگی مطلق به آگهی دولتی و نبود تشکل فراگیر تعاونی جهت رفع مشکلات اقتصادی نشریات در حوزه اقتصادی مطبوعات محلی، موجب رواج یافتن شیوه‌های نادرست کسب درآمد در مطبوعات محلی شده است.

این شیوه‌های نادرست که یکی از آسیب‌های جدی حوزه مطبوعات به‌شمار می‌رود، مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان بود. این امر موجب رواج تیتروفرشی، ارجحیت یافتن محتوا نزد صاحبان آگهی و افزایش استفاده از شیوه‌های غیرمرسوم برای کسب آگهی و درآمد بیشتر در حوزه مطبوعات محلی شده است.

نبود عدالت در پرداخت تسهیلات دولتی، یارانه ناچیز کاغذ، عدم پرداخت حق بیمه خبرنگاران و نبود درآمد از محل فروش و حق اشتراک، از مشکلات دیگر حوزه اقتصادی مطبوعات محلی از نظر مصاحبه‌شوندگان بود که موجب می‌شد آسیب جدی در این بخش، مورد تأکید باشد.

زیرساخت و بستر فنی و علمی

بر اساس مضامین پایه این بخش، نهاد سیاست‌گذار و نیز دستگاه متولی، بدون در نظر گرفتن یا تأمین زیرساخت‌هایی مانند چاپخانه استاندارد، شبکه توزیع قوی و نیز پایگاه دانشگاهی به‌منظور تربیت نیروی انسانی متخصص، اقدام به صدور مجوز بی‌رویه طی سال‌های اخیر کرده است. مضامین پایه این بخش، شامل سرعت پایین اینترنت، عدم چاپ نشریات با قطعی برق منطقه، چاپخانه محدود و غیراستاندارد، عدم تطابق تعداد مجوزها با تعداد چاپخانه و اجبار به استفاده از تنها چاپخانه مطبوعات در استان است. این موارد موجب می‌شود که از نظر مصاحبه‌شوندگان، انتشار مطبوعات محلی در بستر و زیرساخت غیرفنی و غیرعلمی صورت گیرد.

یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران و پژوهشگران

در بخش دوم این پژوهش، یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران، پژوهشگران و استادان روزنامه‌نگاری درباره آسیب‌ها و موضوع‌های مطرح شده در بخش‌های آسیب‌ها، جایگاه، سیاست‌گذاری و راهکارها ارائه می‌شود. برای کسب نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان پژوهش درباره ابعاد و زوایای گوناگون شاخص‌های موردبررسی، پرسش‌هایی به‌عنوان سؤالات محوری مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در اختیار آنان قرار گرفت. منطبق با روش کیفی و تحلیل مضمون، اشباع نظری در مصاحبه با هشت نفر از استادان

ارتباطات و پژوهشگران حوزه روزنامه‌نگاری حاصل شد و در مصاحبه‌های نهایی، پاسخ‌ها مشابه و تکرار مضامین دریافتی قبلی بود.

پرسش محوری و اصلی برای کسب نظرات و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در خصوص مسئله آسیب‌های مطبوعات محلی، که در جریان مصاحبه در اختیار آنان قرار گرفت، عبارت بود از این‌که:

به نظر شما مهم‌ترین آسیبی که امروز متوجه مطبوعات محلی است، چه می‌تواند باشد؟ مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، در آسیب‌شناسی وضعیت کنونی مطبوعات محلی، مواردی چون نداشتن دانش و آگاهی روز، مرکزگرا بودن سیاست‌گذاری‌ها، مسئله‌مند نبودن فعالیت اداره مطبوعات محلی، محدودیت‌ها، نبود آزادی بیان، دسترسی محدود به منابع اقتصادی و هزینه‌بر بودن این فعالیت و فشارهای سیاسی و امنیتی را به‌عنوان مهم‌ترین نقاط آسیب در این حوزه مطرح کردند.

در مکانیسم‌های عمل، فرو دست در تولید خبر خود، در حال برآوردن نظرات مرکز است. این نه فقط در حوزه روزنامه‌نگاری، که در حوزه هنر و سینما نیز این مسئله دیده می‌شود. فقدان منظر مسئله‌مند وابسته به تاریخ و جغرافیا، که به‌عنوان کنشگری که به مسئله و تاریخ و جغرافیای خود وابسته است باید در موقعیت زیسته خود سخن بگوید، چالش‌زاست. اما امروز دیگر این فیگور وجود ندارد و همواره یک فیگوری وجود دارد که مسئله‌اش جلب نظر حداکثر کسانی است که در مرکز ایستاده‌اند.

اما مسئله تاریخی هم در بخش آسیب‌های مطبوعات محلی وجود دارد. مطبوعات محلی در ایران به همان میزان که سابقه تاریخی بالنده دارند، به همان میزان نیز ذهن مخاطب درباره آن‌ها پیش‌داوری‌هایی انجام می‌دهد و این باور به قدری عمیق می‌شود که در دهه‌های بعد هم با وی همراه است؛ از این‌روست که مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند نگرش به مطبوعات محلی در میزان استقبال از آن تأثیر بسیاری دارد.

یک عارضه تاریخی در ایران داریم که به‌طور کلی به دلیل بستر تاریخی مطبوعات رخ می‌دهد؛ نگرش غالب این بوده است که مطبوعات، بلندگوی دولت‌ها و حاکمیت هستند. نگاه غالب به مطبوعات، که در همه‌جا مستقل‌تر از سیاست بوده‌اند، در ایران نگاهی است که به آن‌ها به‌عنوان بلندگو و وابسته نگریسته می‌شود و در نتیجه، باور و اعتماد به آن‌ها کم است.

از لحاظ تاریخی، در ایران از دوره مشروطیت به بعد، ارج و قرب بالاتری برای متن قائل بودیم؛ در حالی که در نمونه‌های خارجی، بسیار سریع‌تر متوجه شدند که صدا و تصویر بالاتر از متن نیستند، اما مکمل هم‌اند. امروز، شبکه‌های اجتماعی نیز این را به دنیای رسانه تحمیل کرده‌اند که صدا، متن و تصویر با هم به‌کار گرفته شوند. پلتفرم‌های مجازی مانند اینستاگرام، با این قابلیت، فضای رسانه را تغییر دادند. رسانه‌های دنیا به این سمت رفتند.

مطبوعات محلی به‌طور کلی از ابتدا در ایران ضعف‌هایی داشتند. مطبوعاتی که در گستره انتشار ملی و سراسری هم منتشر می‌شوند، دفتری در تهران دارند. این مرکزگرایی به رشد مطبوعات محلی صدمه زده است.

سیاست‌های نظام رسانه‌ای ایران، حتی پیش از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پس از مرکزگرا شدن سیستم اداره کشور، پیامدش این بوده که رسانه‌های محلی ضعیف شده‌اند. حمایت‌های جدی از آن‌ها صورت نگرفته است تا بخشی از فرهنگ مصرف رسانه‌ای کشور شوند.

از سویی دیگر، فشارها و محدودیت‌های سیاسی در مطبوعات محلی، وضعیتی متفاوت از مطبوعات سراسری دارد و این امر به‌گونه‌ای است که از آن به‌عنوان یک آسیب نام برده شده و مصاحبه‌شوندگان در چندین مورد به آن اشاره کرده‌اند:

یکی از دلایل وضعیت کنونی مطبوعات محلی، فشارهای سیاسی است. در نشریات محلی، به‌دلیل کوچک‌بودن حوزه نفوذ رسانه، فشارهای محلی بر روی مطبوعات به‌طور معمول بیشتر و مؤثرتر است. این فشارها بیشتر از چند نوع هستند که یکی از آن‌ها، شبکه‌های روابط خویشاوندی است. در بیشتر موارد در شهرستان‌ها و در استان‌ها، روابط خویشاوندی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در جریان رقابت‌های خویشاوندی، رسانه‌ها قربانی می‌شوند.

مطبوعات ایران به علت تنگناها و محدودیت‌های گوناگونی که دارند در عمل توان پرداختن به محتواهای مورد نیاز و مورد علاقه و اولویت‌های جامعه را ندارند. به‌رغم این که مطبوعات هنوز هم به‌هر حال در حوزه‌هایی شهامت و جسارت به خرج می‌دهند و به مسائل جدی جامعه نزدیک می‌شوند، اما با سطح انتظارات و علایق مردم فاصله دارند.

عدم تطابق دخل و خرج در اقتصاد مطبوعات و عدم امکان تأمین مالی روزنامه‌نگاران مبرز، ورزیده و کارآزموده و همچنین سیاسی‌شدن بیش از حد مدیریت مطبوعات و فضای محتوایی آن‌ها، همگی عاملی برای بی‌رونق شدن بازار مطبوعات شده است.

نوع دیگری از مشکلات در رسانه‌های محلی وجود دارد که ضعف اقتصادی این رسانه‌ها است. به‌طور معمول سطح حرفه‌ای این نشریات و رسانه‌ها چندان بالا نیست، وضعیت اقتصادی مساعدی ندارند، قادر نیستند نیروهای حرفه‌ای تأمین کنند، هزینه‌ها سنگین است و نمی‌توانند به سطح حرفه‌ای مطلوبی دست پیدا کنند.

دانش پایین دست‌اندرکاران مطبوعات محلی از گذشته، اجازه نداده است که بنیان قوی پیدا کنند. تعداد دوره‌های آموزشی نیز چون بازار و تقاضا ندارد، کاهش یافته است.

برای دست‌یافتن به این پرسش که با وجود توسعه فضای جدید رسانه‌ای در دنیا و سرعت استفاده از رسانه‌های نوین، جایگاه مطبوعات محلی با چه چالش‌هایی مواجه شده است، این سؤال در اختیار آنان قرار گرفت و پرسیده شد که:

از نظر شما جایگاه مطبوعات محلی در عصر جدید و فضای رسانه‌های جدید چه جایگاهی است؟

نسل جدید تغییرات بسیاری کرده است؛ علایق، باورها و دغدغه‌ها تغییر کرده و بنابراین، دغدغه‌اش مطبوعات نیست. نسل میانسال یا سالمندان، کم‌وبیش به مطبوعات علاقه نشان می‌دهند. به همین دلیل، مطبوعات حضور نمادین خود را با تأثیرگذاری‌های کم‌وبیش متفاوت، حفظ خواهند کرد.

به نظر می‌رسد فقدان رسانه‌های محلی در مسئله‌مند کردن بحران‌هایی که حاشیه تحمل می‌کند، موجب می‌شود تراکم بودجه، انرژی و ساختار حل مسئله در نظام حکمرانی کشور و بازتاب‌های رسانه‌ای، تنها بر مسائل مرکز استوار شود و حاشیه تا زمانی که خود را به شکل مرکز درنیاورده باشد، به نظر می‌رسد ارزش دیده‌شدن ندارد. این امر، شکاف‌های اجتماعی را سنگین خواهد کرد و هرچه بیشتر به سمت سنگین شدن این شکاف‌ها حرکت می‌کنیم.

یک ویژگی در رسانه‌های محلی و مطبوعات محلی وجود دارد که روزنامه‌های سراسری از آن برخوردار نیستند و آن این‌که روزنامه‌نگاری محلی، به دلیل آن‌که به محل وقوع حادثه نزدیک‌ترند، در محل وقوع خبر، افراد بیشتری را می‌شناسند و افرادی را می‌شناسند که هیچ‌یک از مطبوعات ملی به آن‌ها دسترسی ندارند؛ بنابراین، با دقت و سرعت بیشتری می‌توانند به انتشار خبر کمک کنند.

از لحاظ توسعه فرهنگ رسانه‌ای، این مسئله اهمیت دارد که مسئولان به رسانه دسترسی داشته باشند. رسانه محلی تبدیل می‌شود به سلول حیاتی توسعه فرهنگ رسانه‌ای در سطح مناطق مختلف کشور که این اتفاق، بسیار بزرگ و مهمی است. هرچند مطبوعات محلی بیشتر تحت فشارند، اما به هر حال یک درک عینی از مفهوم رسانه و روزنامه‌نگار ایجاد می‌شود که می‌تواند به توسعه رسانه کمک کند.

بررسی این مسئله که چرا مطبوعات و در ذیل آن، مطبوعات محلی، نتوانسته‌اند به کارویژه‌های خود عمل کرده و با توجه به حجم نیروی انسانی موجود و مجوزهای انبوه صادرشده، کارکرد خود را داشته باشند، پرسش دیگری بود که در اختیار صاحب‌شوندگان قرار گرفت. پرسش مطرح‌شده این بود که:

چرا روزنامه‌نگاری محلی نتوانسته است در فضای روزنامه‌نگاری مرکزگرا به جایگاه واقعی خود دست یافته و مرجعیت لازم را داشته باشد؟

محافظه‌کاری در مطبوعات محلی وجود دارد و از این منظر، به نظر می‌رسد که مطبوعات محلی قدرت کمتری دارند. افزون بر این‌که، مجوز نشریات چاپی محلی بیشتر برای افراد محافظه‌کارتری در محل‌های خارج از تهران نیز صادر می‌شود و همین امر، جرئت و جسارت انتشار مطالب مهم را از این مطبوعات می‌گیرد.

عامل عدم دست‌یافتن مطبوعات محلی به جایگاه واقعی خود، فشارهای مستقیم سیاسی و امنیتی است. صدای شهرستان‌ها شنیده نمی‌شود. اگر یک روزنامه‌نگار در تهران تحت تعقیب

قرار گیرد، همه کشور و بلکه همه دنیا در فاصله کمی متوجه می‌شوند؛ اما در شهرستان‌ها و استان‌ها این‌گونه نیست و اگر برای یک رسانه‌ای مشکلی پیش بیاید، حداکثر در سطح همان محل واکنش ایجاد می‌کند.

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این پرسش که: مسئله صدور مجوزها و عدم استفاده از نیروی انسانی کارآموده و آموزش دیده، مهم‌ترین آسیب‌هایی است که در این پژوهش حاصل آمده است. سیاست‌گذاری‌های نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه مطبوعات محلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شرایط کنونی صدور مجوزها و شیوه اعطای مجوز را منسوخ دانسته و یکی از دلایل کم‌رونقی مطبوعات محلی را در شیوه اعطای مجوز دانسته‌اند.

به‌طور قطع نیاز به مطالعه زمینه‌ای در مسئله صدور مجوزها هست؛ زیرا مطالعه این‌که هر جامعه‌ای به لحاظ فرهنگی و اقتصادی چه میزان ظرفیت دارد، مهم است. حتی اگر رقابت انجام گیرد، این رقابت در چه میدانی باید باشد.

امروز، داشتن یک مجوز انتشار روزنامه تبدیل به یک رانت و امتیاز شده و مورد سوءاستفاده‌های زیادی هم قرار گرفته است.

به‌طور کلی، نظام مجوزها باید سیستم اعلامی باشد، نه سیستم مجوزدادن. این موضوع باید بیشتر موردتوجه قرار گیرد. اگر فردی توانایی منتشرکردن دارد، براساس قوانین و مقررات منتشر کرده و این انتشار را اعلام کند. این مجوز در سال‌ها تبدیل به رانت و امتیاز می‌شود؛ زیرا در سال‌هایی که سخت‌گیری می‌شد، مجوزها اجاره داده می‌شد و خریدوفروش می‌شدند. پس در اصل یک نظام آسیب‌زاست.

بحث تخصصی‌نشدن، در لایه‌های بعدی آسیب‌هایی است که در حوزه صدور مجوزها رخ می‌دهد. آسیبی که از آسیب‌های دیگر مهم‌تر است، اشتغال‌کاذبی است که از این مسیر حاصل می‌شود؛ یعنی به‌صورت پاره‌وقت، افرادی را با کد پرسنلی به‌کار می‌گیرند تا از وزارت ارشاد، سهمیه‌ای، بودجه‌ای و رانتی برای خود تحصیل کنند. بنابراین، این مسائل در درون خود فسادانگیز هستند.

قاعده اصلی این است که آزادی بیان، غیرمشروط و مطلق است. شرایطی هم که اکنون در قانون مطبوعات برای دریافت مجوز وجود دارد، خلاف حقوق اساسی ملت است. شرط این‌که چندین دستگاه باید اظهارنظر کنند نیز همگی خلاف حقوق اساسی ملت است.

از لحاظ کیفی، آموزش‌ندیدن نیروی خبرنگار، گزارشگر و کسانی که کار رسانه انجام می‌دهند، یک مسئله قدیمی است. نشریات ما پس از مشروطیت و بعدها همه رسانه‌ها، از بدو پیدایش، سکوی پرشی برای افرادی بوده‌اند که کارشان غیر از رسانه بوده است؛ فردی عضو حزب سیاسی بوده یا تاجر بوده و وارد عرصه روزنامه‌داری شده است.

در بحث آموزش، انتقادی که به برخی از دانشگاه‌ها وارد می‌شود همین است که قارچ‌گونه دانشجو جذب می‌کنند و رشته‌هایی را متولی می‌شوند که استادان پروازی و مدعو هم برایشان کارساز نیست. می‌خواهند قطب ارتباطات کشور شوند، اما الگوی جذب به عنوان قطب ارتباطات را نداشته‌اند. از این دیدگاه است که معتقدیم در اصول آموزشی نیز باید تخصص‌گرایی و الزامات دیده شود.

این پرسش را که:

مطبوعات محلی از چه مسیری و با چه شرایطی می‌توانند به مرجعیت رسانه‌ای خود دست یابند؟

در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار دادیم تا بتوانیم به هدف تحقیق، که در کنار آسیب‌شناسی، دست یافتن به راهکارها و پیشنهادات در حوزه مطبوعات محلی است، دست یابیم.

در شرایطی که دغدغه‌ها جهانی شده یا دست‌کم ملی شده است، پرداختن به موضوع‌های محلی جذابیت‌های خود را دارد. اگر مطبوعات محلی به کارویژه‌های خود توجه کنند و در واقع، در این مسیر بتوانند حرکت کنند، شاید به توفیقاتی برسند.

ظاهر ایران مانند ظاهر کشورهای است که مطبوعات حرفه‌ای ریشه‌داری دارند. در آنجا هم مطبوعات افول کرده‌اند؛ اما اگر یک آزادی مطبوعات در کشور اعمال شود و رونق گیرد، همچنان می‌توان از مطبوعات چاپی یک رونق اقتصادی را شاهد بود. یا دست‌کم اگر رونق اقتصادی داشته باشیم که بتوانیم با فناوری جدید ترکیب کنیم، می‌توان به رونق مطبوعات محلی امیدوار بود.

مطبوعات محلی در بستر رسانه‌های اجتماعی، تنها راه برای بقای رسانه‌ای است که سابقه‌ای دارد و افرادی دارد که بتوانند با رویکرد روزنامه‌نگارانه در بستر شبکه‌های اجتماعی این فضا را مدیریت کنند.

نقش‌های جدید مطبوعات موجب می‌شود که در چارچوب آن‌ها، به‌منظور استقبال مخاطبان، روی وجهه‌میزه و آن چیزی که جامعه محلی را از سراسری و کلان جدا می‌کند، باید کار کرد.

مطبوعات محلی لازم است بازنگری در ساختار و در فنون روزنامه‌نگاری داشته باشند. به هر حال، به نظر می‌رسد که نوعی فرهنگ دیجیتال در حال تسخیر است و این یک پدیده جهانی است؛ اما حیات مطبوعات را با فرهنگ مطالعه یکسان می‌دانیم.

کارکرد این رسانه‌ها با گذشته متفاوت است، اما بدون کارکرد نیست. نقش خبری در مطبوعات، با توجه به سرعت آن‌ها نسبت به گذشته، کم‌رنگ شده است و نقش همبستگی اجتماعی و نقش‌های فرهنگی و تحلیلی نسبت به گذشته بیشتر می‌شود.

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که الگوی مناسب روزنامه‌نگاری محلی وجود ندارد و

روزنامه‌نگاران محلی تلاش می‌کنند با الگوبرداری از روزنامه‌های سراسری و مرکز، به فعالیت در این حوزه بپردازند. نبود الگوی روزنامه‌نگاری محلی مبتنی بر ارزش‌های خبری مناطق دور از مرکز، برای مطبوعات محلی نهادینه نشده است.

شیوه فعالیت روزنامه‌نگاری محلی، مبتنی بر متن است؛ هنوز نسخه‌های چاپی در مطبوعات محلی از اولویت برخوردارند و این رسانه‌ها و فعالان این عرصه، از روزنامه‌نگاری مبتنی بر صدا و تصویر آگاهی ندارند و یا نیروی متخصص برای بهره‌گیری از این ویژگی رسانه‌های جدید را در اختیار ندارند. نسخه‌های چاپی نیز با مشکل شمارگان، گرانی کاغذ و مسائل دیگر مانند نیروی انسانی متخصص، آموزش روزنامه‌نگاری نوین، سیاست‌گذاری نادرست و مسائلی از این دست مواجه‌اند و نتوانسته‌اند به کارکردهای خود به‌درستی جامعه عمل ببوشانند. وضعیت اقتصاد مطبوعات و عدم امکان تأمین مالی روزنامه‌نگاران مبرز، ورزیده و کارآزموده و همچنین سیاسی‌شدن بیش از حد مدیریت مطبوعات و فضای محتوایی آن‌ها، عاملی برای بی‌رونق‌شدن بازار مطبوعات شده است. کاهش شمارگان یا نسخه‌های کاغذی در مطبوعات محلی از همین محل ایجاد شده است.

وضعیت سیاسی، سانسور، ممیزی، مشکل در سوره‌یابی، عدم تأمین و تربیت نیروی انسانی و همچنین عدم آشنایی با سبک‌های نوین روزنامه‌نگاری، موجب تضعیف مطبوعات، به‌ویژه مطبوعات محلی، شده است و این رسانه‌ها هم‌اکنون دوره رکود و افول خود را می‌گذرانند.

نتیجه‌گیری

با مطبوعات محلی، فرهنگ گردش اطلاعات ایجاد می‌شود و با درک درست و عینی از مفهوم رسانه و روزنامه‌نگار، توسعه رسانه در مناطق رخ می‌دهد. بر اساس نتایج این تحقیق، "جهان محلی‌شدن" یک نگاه و رهیافت علمی است و با تغییرات جهانی‌شدن، ویژگی‌های فرهنگی و محلی نیز برجسته می‌شوند؛ از این رو، نقش‌آفرینی رسانه‌های محلی در تحولات جدید بیشتر شده است و مطبوعات محلی تنها باید بتوانند هم‌پای ارتباطات جهانی، روزآمد شده و ظرفیت‌های جدید خود را بشناسند. فعالیت در قالب گذشته، به دلیل جهانی‌شدن و کم‌فروغ‌شدن جایگاه نسخه‌های چاپی، به معنای نابودی مطبوعات محلی نیست و این مطبوعات فقط باید بتوانند با شرایط جدید، خود را سازگار کنند.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که نشریات محلی به لحاظ توسعه فرهنگ رسانه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و مطبوعات محلی، سلول حیاتی توسعه فرهنگ رسانه‌ای در مناطق مختلف کشور هستند. با مطبوعات محلی، فرهنگ گردش اطلاعات ایجاد می‌شود و با درک درست و عینی از مفهوم رسانه و روزنامه‌نگار، توسعه رسانه در مناطق رخ می‌دهد. با این وجود، در این برهه، عدم مرجعیت رسانه‌ای ناشی از عدم تأثیرگذاری و کژکارکردی

مطبوعات محلی، موجب تشدید سابقه تاریخی و ذهنی در حوزه مطبوعات محلی شده است. نگرش غالب به مطبوعات محلی این است که این مطبوعات، بلندگوی دولت‌ها و حاکمیت هستند و صدای مردم به‌شمار نمی‌روند. از این رو، با وضعیت کنونی مطبوعات محلی، یعنی تأمین بخش عمده‌ای از درآمد این مطبوعات از محل آگهی‌های دولتی و اختصاص تیر یک مطبوعات محلی به مدیران، این مطبوعات تعلق خود به بدنه مردم را از دست داده و مردم مخاطبان اصلی این رسانه‌ها به‌شمار نمی‌روند. این امر از سویی موجب تشدید گرایش مردم این مناطق به رسانه‌های اجتماعی شده است؛ زیرا این باور که رسانه‌های اجتماعی، دولتی نیستند و جانب حاکمیت را نمی‌گیرند و یا دست‌کم آزادانه‌تر عمل می‌کنند، بحران مرجعیت مطبوعات محلی را سبب شده است.

در بررسی سیاست‌های نظام رسانه‌ای در ایران، مرکزگرا بودن این سیاست‌ها به ضعف رسانه‌های محلی، به‌ویژه مطبوعات محلی، منجر شده است و با وجود این که مطبوعات محلی بخشی از فرهنگ مصرف رسانه‌ای در کشور هستند، حمایت جدی از آن‌ها صورت نگرفته است. فشارهای سیاسی محلی، به دلیل کوچک و محلی بودن حوزه نفوذ، بر روی مطبوعات محلی، در عدم کارکرد مناسب و مؤثر بودن این رسانه‌ها تأثیرگذار بوده است. مطبوعات محلی، بیش از مطبوعات سراسری، تحت سانسور، ارعاب و تنگنا قرار می‌گیرند و توان پرداختن به محتوای موردنیاز و موردعلاقه مردم را از دست داده‌اند. تأکید بر بازتولید گفتمان حاکم و نپرداختن جدی به مسائل جامعه در زیست‌بوم جغرافیایی و سیاسی مطبوعات محلی، از سوی آگهی‌دهندگان که همان مدیران دولتی هستند، موجب شده است که این مطبوعات گاه به قلب حقیقت پرداخته و در حوزه‌هایی، شهامت و جسارت خود را از دست بدهند. آزادی رسانه‌ها، پیش شرط وجود داشتن رسانه‌های محلی است و آزادی عمل رسانه‌ها در تهران، بسیار با آزادی عمل رسانه‌های محلی متفاوت است.

عدم تطابق دخل و خرج در اقتصاد مطبوعات و عدم امکان تأمین مالی روزنامه‌نگاران مبرز، ورزیده و کارآزموده و همچنین سیاسی‌شدن بیش از حد مدیریت مطبوعات و فضای محتوایی آن‌ها، عاملی برای بی‌رونق‌شدن بازار مطبوعات شده است. کاهش شمارگان یا نسخه‌های کاغذی در مطبوعات محلی از همین محل ایجاد شده است.

تغییرات فناوری در حوزه رسانه‌ها، صنعت مطبوعات را که صنعتی پرهزینه و نیازمند مصرف کاغذ است، با چالش مواجه کرده است. از سویی دیگر، وجود رسانه‌های سهل‌الوصول‌تر با امکانات بیشتر و کم‌هزینه‌تر، انگیزه خرید و صرف هزینه برای روزنامه را در میان مردم کاهش داده است. فشارهای اقتصادی بر خانواده‌ها نیز موجب حذف مطبوعات و کالاهای فرهنگی از سبد خانوارها شده است. همین امر موجب همه‌گیری و رونق فعالیت شبکه‌های اجتماعی و ماهواره در میان خانواده‌ها و کاهش مرجعیت رسانه‌ای مطبوعات محلی شده است.

نادیده گرفته شدن فناوری‌های نوین در مطبوعات محلی به سبب توسعه فناوری در حوزه رسانه، بخشی از آسیب‌های مطبوعات محلی است؛ زیرا فضای مجازی، منبع درآمدی برای مطبوعات محلی به شمار نمی‌رود و از آن استقبال نمی‌شود. از این رو، وابستگی به نهادهای قدرتمند سیاسی، مشکلات اقتصادی مطبوعات محلی را تشدید می‌کند.

دانش پایین دست‌اندرکاران مطبوعات محلی، از دهه‌های گذشته موجب شده است که نتوانند در حوزه آموزش به بنیان قوی دست یابند و از این رو، دوره‌های آموزشی در استان‌ها نیز بازار و تقاضا ندارند. اهالی مطبوعات محلی این حوزه را به عنوان سکوی پرش خود در حوزه‌های دیگر قلمداد کرده و برای تأمین معیشت و ارتزاق خود، حتی پس از یادگیری و گذراندن دوره آموزش، از آن بهره کافی نمی‌برند.

مطبوعات محلی در شرایط کنونی، جایگاه خود را در برابر شهروند خبرنگاران از دست داده‌اند. انتشار هم‌زمان صوت و تصویر از سوی رسانه‌های اجتماعی، موجب جلب اعتماد بیشتر مخاطبان شده است. شهروند خبرنگاران بدون سانسور به انتشار مطالب و اخبار در شبکه‌های اجتماعی دست می‌زنند و اعتماد بیشتری را جلب کرده‌اند. اگرچه روند افزایش توجه به شهروند خبرنگاران موجب رواج اخبار جعلی و نادرست در حوزه اطلاع‌رسانی شده است، اما تغییر علائق، باورها و دغدغه‌های مخاطبان موجب شده است که مطبوعات تنها حضور نمادین خود را داشته باشند و از تأثیرگذاری کم‌وبیشی برخوردار باشند.

تأکید بر نظام مسئله‌سازی در مطبوعات، به ویژه مطبوعات محلی و تبدیل مسئله به موضوعات و جریان‌های رسانه‌ای، از مهم‌ترین رویکردهایی است که می‌توان برای بازگشت اعتبار و مرجعیت رسانه‌ای در این بخش از مطبوعات محلی در نظر گرفت. بر اساس نتایج این تحقیق، مطبوعات محلی باید به این باور برسند که مسائل خود را در اولویت قرار دهند. فقدان مسئله‌مندی در مطبوعات محلی موجب بروز بحران در این بخش از رسانه‌ها شده است و ضعف سیاست‌گذاری در مطبوعات محلی و همچنین تراکم بودجه و ساختار توجه به مسائل مرکز در نظام حکمرانی کشور، در به حاشیه رانده شدن مطبوعات محلی، سبب این شکاف شدید اجتماعی در این بخش شده است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه مردم با رسانه به رابطه رسانه‌ها با نظام سیاسی و اقتصادی بستگی دارد. مؤلفه مالکیت و اقتصاد رسانه‌ها بر روی محتوای مطبوعات و رسانه‌ها تأثیرگذار است و همان‌گونه که در مشاهده مشارکتی و نیز مصاحبه‌های عمیق این تحقیق به دست آمد، آگاهی دهندگان، اولویت‌های محتوایی مطبوعات را تعیین می‌کنند. از این نظر که بخش مهمی از اقتصاد مطبوعات محلی از طریق آگاهی‌های دولتی و یارانه‌های مطبوعات تأمین می‌شود، رابطه این رسانه‌ها با نظام سیاسی، بر رابطه مردم با رسانه‌ها برای گردانندگان مطبوعات اولویت دارد.

این مسئله نیز اثبات می‌شود که نقش دولت در نظام رسانه‌ای، هم به لحاظ مالکیت و نظارت و هم به عنوان منبع اخبار، بسیار پررنگ است. دولت، مالکیت مطبوعات را تعیین می‌کند و با شیوه اجازة انتشار، بر ورود افراد به عرصه رسانه‌داری تأثیر می‌گذارد. همچنین، به دلیل رویکرد سنتی حاکم بر روزنامه‌نگاری محلی، که در بیشتر موارد از طریق تجربه و سینه‌به‌سینه به نسل بعدی روزنامه‌نگاران منتقل شده است، دولت منبع مهم اخبار به‌شمار می‌رود. در این بخش نیز دولت ابزار مهمی در اختیار دارد و با در اختیار داشتن اطلاعات اصلی، از این مسیر نیز انتشار اطلاعات را گزینش می‌کند. همان‌طور که از نتایج این تحقیق برمی‌آید، آن سابقه ذهنی مردم درباره مطبوعات و برجسب‌های رایج و نیز رابطه میان دولت و رسانه‌ها، موجب می‌شود میزان و شرایط تولید محتوا به شدت در اختیار دولت قلمداد شده و مخاطب از مطبوعات دور شود. از این منظر، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در دو ضلع موازی، روزنامه‌داران و صاحبان رسانه باید نسبت به اصلاح رابطه خود با دولت اقدام کنند، منابع مالی و خبری جدید بیابند و دولت نیز از ابزار یارانه و حمایت‌های اقتصادی به عنوان وسیله کنترل بهره‌نگیرد و زمینه آزادی فعالیت‌های مطبوعاتی را به‌ویژه در استان‌ها تسهیل کند. این مهم، در بازگشت مرجعیت رسانه‌ای به رسانه‌های داخلی نقش مهمی خواهد داشت و اقبال مخاطبان را به رسانه‌های بومی افزایش می‌دهد.

منابع

- باستانی، سوسن؛ خانیکی، هادی و ارکان‌زاده یزدی، سعید (۱۳۹۹). نظام رسانه‌ای ایران: جانشینی ناکامل رسانه‌های نوین و از جا در رفتگی شبکه رسانه‌ها. مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۱(۴۹)، ۷-۳۱.
- Doi: 10.22083/jccs.2019.126933.2401
- بشروی، حسین (۱۳۸۸). گفتارهایی درباره فرهنگ، ارتباطات و توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- هانچ، توماس و یورگنسن، کارین وال (۲۰۰۹). مطالعات روزنامه‌نگاری. ترجمه پرویز علوی. تهران: انتشارات ثانیه.
- لیندلف، تامس آر. و تیلور، برایان سی (۲۰۰۲). روش‌های تحقیق در علوم ارتباطات. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: انتشارات همشهری.
- تقی‌پور، فائزه و باباربیع، مهدی (۱۳۹۶). مطالعه کیفی آسیب‌های مطبوعات محلی شهر اصفهان از دیدگاه فعالان باتجربه در سال ۹۵. رسانه، ۲۸(۴)، ۲۷-۵۵.
- حسینی، محمدابراهیم (۱۳۹۰). مطبوعات محلی و توسعه تحلیل محتوای مطالب توسعه در چهار نشریه محلی و سراسری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- حیدری، اکبر (۱۳۸۷). مطبوعات محلی و امنیت ملی: بازتاب هویت قومی و ملی در مطبوعات محلی استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- خانیکی، هادی و عیدی، سیروان (۱۴۰۰). شبکه‌های تلویزیونی استانی و هویت ملی. رسانه و فرهنگ، ۱۱(۱)، ۷۳-۴۷.
- <https://doi.org/10.30465/ismc.2021.33882.2303>
- خانیکی هادی (۱۳۹۷). قدرت جامعه مدنی مطبوعات. تهران: انتشارات طرح نقد.

دارابی، علی؛ شاکری نژاد، محسن و بابایی، توحید (۱۳۹۸). سنجش رابطه بین تماشای شبکه استانی مازندران با درونی شدن فرهنگ بومی استان. ارتباطات و رسانه، ۲(۵)، ۱۰۷-۱۳۶.

دی ویمر، راجر و آر دومینیک، جوزف (۱۳۹۱). تحقیق در رسانه‌های جمعی. ترجمه سید کاووس سیدامامی، تهران: انتشارات سروش.

ژانگ، شیشین (۲۰۰۸)، تأثیر جهانی شدن بر مطبوعات محلی در چین (مطالعه موردی روزنامه جوانان پکن از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۶). رساله دکتری دانشگاه لیدز.

سورین، دبلیو و تانکار، جی (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شعبان، داریوش (۱۳۹۷). تأملی در مطبوعات محلی. آفاق علوم انسانی، ۲(۱۹)، ۱-۱۴.

شومیکر، پاملا (۱۹۵۰). دروازه‌بانی. ترجمه حسین افخمی. تهران: انتشارات نشر نی.

شکرخواه، یونس (۱۳۸۱). خبرنویسی مدرن. تهران: انتشارات خجسته.

صفری، مرتضی و جعفری، مرتضی (۱۴۰۰). رسانه‌های محلی و توسعه (مطالعه موردی استان زنجان). جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۰(۱)، ۱۳۱-۱۵۹. doi: 10.22034/jeds.2021.42435.1469

ذاکر حسین، عبدالحسین (۱۳۹۶). مطبوعات سیاسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

علی، کریستوفر (۲۰۱۷). محلی گرایی رسانه‌ای سیاست‌های مکان. ترجمه علی اکبر رزمجو، تهران: انتشارات دانشگاه صداوسیما.

فرقانی، محمدمهدی و بنی تمیم، محمدمامین (۱۴۰۰). علل کاهش شمارگان مطبوعات در ایران، رسانه، ۳۲(۲)، ۳۴-۵. <https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.136840>

فرقانی، محمدمهدی (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی مطبوعات محلی از منظر روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری توسعه. جامعه، فرهنگ و رسانه، ۳، ۳۷-۶۳.

فیلدر، نانسی (۲۰۱۹)، پلتفرم‌های تلفن همراه: به چالش کشیدن مدل‌های سنتی ارائه و توزیع اخبار محلی در انگلستان، پایان نامه دکتری فلسفه، دانشگاه مرکزی لکشایر انگلستان.

قلی‌زاده گیلو، شهریار (۱۳۹۴). بررسی ساختار و محتوای مطبوعات استان اردبیل از منظر اصول حرفه‌ای و توسعه روزنامه نگاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

قاضی‌زاده، علی اکبر (۱۳۸۷). مصاحبه رادیویی. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۲(۹)، ۵۴-۶۷.

کریمیان، رامین؛ مهاجر، مهران و نبوی، محمد (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

کرپندورف، کلوس (۱۹۸۰). مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.

کریمی، زهرا؛ انتظامی، حسین و محکی، علی اصغر (۱۳۹۷). جایگاه روزنامه‌نگاری محلی از نگاه کارشناسان و متخصصان این حوزه. رسانه، ۲۹(۳)، ۱۰۷-۱۲۲.

معمد نژاد، کاظم (۱۳۸۷). حقوق مطبوعات. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مک‌کوایل، دنیس (۱۹۹۸). درآمدی بر نظریه‌های ارتباط جمعی. ترجمه پرویز اجاللی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

مردادی، علیرضا و افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۲). ارتباطات و توسعه. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، سید محمد (۱۴۰۲). نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری.

مک‌کانل، سارا (۲۰۱۶). این مکان! چالش و تغییر هویت روزنامه‌نگاری در عصر دیجیتال مطالعه سه اتاق خبر محلی لندن، پایان نامه دکتری. دانشگاه لندن.

مسعودی، امیدعلی؛ جعفری، سیده طناز و نعمتی انارکی، داود (۱۴۰۱). الگوی مدیریت کیفیت محتوا در روزنامه‌های محلی ایران. مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۳(۶۰)، ۱۲۵-۱۴۶.

<https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.276676>

ویلیامز، کوین (۲۰۰۳). فهم نظریه رسانه‌ها. ترجمه احسان شاه‌قاسمی و گودرز میرانی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

هارپر، کریستوفر (۲۰۰۲). رسانه‌های نوین. ترجمه علی اصغرکیا. تهران: نشر علی.

هاستجارجو، سری (۲۰۱۷). روزنامه‌نگاری محلی در چشم‌انداز رسانه‌های جدید: فرصت‌ها و چالش‌ها، کنفرانس بین‌المللی طراحی و فناوری. علوم اجتماعی دانشگاه سلبس مارت اندونزی، ۲۱-۲۷.

Bastani, S., Khaniki, H., & Arkanzadeh Yazdi, S. (2019). Iran's Media System: Incomplete Succession of New Media and Dislocation of the Media Network. *Culture-Communication Studies*, 21(49). [In Persian] Doi: [10.22083/jccs.2019.126933.2401](https://doi.org/10.22083/jccs.2019.126933.2401)

Boshraivieh, H. (2009). *Discourses on Culture, Communications and Development*. Imam Sadegh University Press. [In Persian]

D.Wimmer, R., & R. Dominick, J. (2012). *Mass Media Research*. Translated by Seyyed Emami, S. K. Tehran: Soroush Publications. [In Persian]

Darabi, A., Shakerinejad, M., & Babaei, T. (2019). Measuring the relationship between watching Mazandaran provincial network and internalizing the province's indigenous culture. *Communications and Media*, 2(5), 107-136. [In Persian]

Elli, k. (2017). *Media Localism: The Politics of Place*, Translated by Razmjoo, a. (2022), IRIB University Press. [In Persian]

Fielder, N. (2019). *Mobile Platforms: Challenging Traditional Models of Local News Delivery and Distribution in the UK*. PhD thesis. University of Central Lancashire, UK.

Forghani, M. M., & Bani Tamim, M. A. (2021). Reasons for the Decline in the Number of Press in Iran. *Media*, 32(2), 5-34. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.136840>

Forghani, M. M. (2013). Pathology of local press from the perspective of professional journalism and development journalism. *Society Culture and Media*, 3, 37-63. [In Persian]

Ghazizadeh, A. A. (2009). Radio interview. *Social Science Monthly Book*. 12(9), 54-67. [In Persian]

Gholizadeh Golloo, S. (2015). Studying the structure and content of the press in Ardabil province from the perspective of professional principles and journalism development. Master's Thesis. Allameh Tabatabaei University. [In Persian]

Harper, c. (2002). *New Media*. Translated by: Kia, A. A. Tehran: Ali Publishing. [In Persian]

Hanich, T., & yorgensen, K. W. (2009). *Journalism Studies*. Translated by: Alavi, P. Tehran: Saneyeh Publications. [In Persian]

Hosseini, M. (2011). *Local Press and Development: Content Analysis of Development Articles in Four Local and National Publications*. Master's Thesis. Allameh Tabatabaei University. [In Persian]

Heydari, A. (2008). *Local Press and National Security: Reflection of Ethnic and National Identity in Local Press of Ilam, Kermanshah and urdistan Provinces*. Master's Thesis. Allameh Tabatabaei University. [In Persian]

Karimian, R., Mohajer, M., & Nabavi, M. (2005). *The Alphabet of Communications*. Tehran: Media Studies and Research Center. [In Persian]

Khaniki, H., & Abdi, S. (2021). Provincial Television Channels and National Identity. *Media and Culture*, 11(1), 47-34. [In Persian] <https://doi.org/10.30465/ismc.2021.33882.2303>

Khaniki, H. (2018). *The Power of Civil Society in the Press*. Tehran: Tareh Naqad Publications. [In Persian]

- Karimi, Z., Entezami, H., & Mahaki, A. A. (2018). The position of local journalism from the perspective of experts and specialists in this field. *Media*, 29(3), 107-122. **[In Persian]**
- Krippendorff, K. (1980). *Fundamentals of Content Analysis Methodology*. Translated by: Naibi. Tehran: Ney Publications. **[In Persian]**
- Lindolf, T.L., & Taylor, B.C. (2002). *Qualitative Research Methods in Communication Sciences*. Translated by: Ghivian, A. Tehran: Hamshahri Publications. **[In Persian]**
- Masoudi, O. A., Jafari, S. T., & Nemati Anaraki, D. (2021). Content Quality Management Model in Local Iranian Newspapers. *Culture-Communication Studies*, 23 (60), 125-146. **[In Persian]**
<https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.276676>
- McQuail, D. (1998). *An Introduction to Mass Communication Theories*. Tehran: Translated by: ejlali . Media Studies and Development Office. **[In Persian]**
- Moradi, A., & Afrasiabi, M. S. (2013). *Communications and Development*. Tehran: Media Studies and Planning Office. **[In Persian]**
- Motamednejad, K. (2009). *Press Law*. Tehran: Office of Media Studies and Development. **[In Persian]**
- Mehdizadeh, S. M. (2023). *Media Theories: Popular Thoughts and Critical Perspectives*. Tehran: Hamshahri Publishing. **[In Persian]**
- McConnell, S. (2016). This Place! The Challenge and Changing Identity of Journalism in the Digital Age: A Study of Three Local London Newsrooms. PhD Tesis. University of London. **[In Persian]**
- Shoemaker, P. (1950). *Goalkeeper*. Translated by Afkhami. A. Tehran: Ney Publishing House. **[In Persian]**
- Safari, M., & Jafari, M. (2021). Local Media and Development (Case Study of Zanjan Province). *Economic Sociology and Development*, 10(1)131-159. **[In Persian]** doi:10.22034/jeds.2021.42435.1469
- Shokarkhah, Y. (2002). *Modern News Writing*. Tehran: Khojasteh Publications. **[In Persian]**
- Shaban, D. (2018). Reflections on Local Press. *Afaq Humanities Monthly*, 2(19), 1-14. **[In Persian]**
- Hastjarjo, S. (2017). Local Journalism in the New Media Landscape; Opportunities and Challenges, International Conference on Design and Technology. *Social Sciences*, Celebes Mart University Indonesia, 21-27. **[In Persian]**
- Taghipour, F., & Babarabie, M. (2017). Qualitative study of the damages of local press in Isfahan city from the perspective of experienced activists in 2016. *Media*, 28(4), 27-55. **[In Persian]**
- Werner, S., & Tankard., J. (1992). *Communication Theories*. Translated by: Alireza Dehghan. Tehran: Tehran University Press. **[In Persian]**
- Williams, k. (2003). *Understanding Media Theory*. Translated by: Shah Ghasemi, E., & Mirani, .G. Tehran: Sociologists Publications. **[In Persian]**
- Zhang, S. (2008). The Impact of Globalization on Local Press in China - A Case Study of Beijing Youth Newspaper from 1981 to 2006, PhD Thesis, University of Leeds.
- Zakerhossein, A. (2017). *Iranian Political Press*. Tehran: Tehran University Press. **[In Persian]**

